

دلایل شکست دادگاه‌های اسلامی شریعت سومالی

درگیری‌های متعدد اخیر، بین نیروهای نظامی اتیوپیایی و باقی‌مانده‌های گروه اسلام‌گرای سومالی موسوم به «دادگاه‌های اسلامی شریعت سومالی» که به منظور ایجاد جنگی فرسایشی در کشور سومالی رخ داد، جدی‌ترین برخورد نظامی بین طرفین درگیر در سومالی در جریان مذاکرات صلح در شهر موگادیشو بود که به موجب آن، صدها نفر کشته و زخمی شده و آوارگی ۲۰۰،۰۰۰ نفر از ساکنین این منطقه را نیز به دنبال داشت. ادامه حضور نیروهای نظامی اتیوپی یایی در این کشور در کنار نیروهای اعزامی اوگاندا تحت پوشش نیروهای حافظ صلح اتحادیه آفریقا نتوانست آرامشی را که تصور می‌شد پس از سقوط گروه اسلام‌گرایان دادگاه‌های اسلامی شریعت (با توجه به از بین رفتن موانع بر سر راه اداره کشور توسط حکومت دولت انتقالی سومالی) ایجاد شود، برقرار سازد. شروع این درگیری‌ها بهانه‌ای شد تا به بررسی علل شکست حکومت نوپای اسلام‌گرایان که به ظاهر توانسته بود بخش‌های زیادی از خاک سومالی جنوبی را تحت سلطه خود درآورد (و به دلیل وجود همین پشتوانه مردمی در حال تبدیل شدن به یک قدرت بلامنازع در عرصه سیاسی سومالی بود) بپردازیم. گروهی که با داعیه برقراری حکومت اسلامی در کشور بحران‌زده سومالی به دنبال پایان دادن به ۱۴ سال آشوب و بی‌نظمی در آن کشور بود، اما چه اتفاقی افتاد که این رؤیا به حقیقت نپیوست؟ چرا آن گونه که در اذهان عمومی جهان

تصور می‌شد، این گروه نتوانست در نبرد با نیروهای نظامی اتیوپی ایستادگی نماید و در کمترین زمان ممکن، مقاومت نیروهایش در هم شکست؟

نیروهای گروه دادگاه‌های اسلامی شریعت سومالی که به منظور ورود به صحنه سیاسی کشور سومالی با برنامه‌ریزی‌های مناسب از جمله توجه به برخی زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی مورد نیاز جامعه این کشور بحران زده توانسته بود تا گام بلندی را در جلب افکار عمومی این کشور استراتژیک واقع در منطقه شاخ آفریقا و ناظر بر آب‌راه‌های مهم بین‌المللی جهان بردارد، موفق گردید تا با تکیه بر این حمایت عظیم مردمی، بخش‌های زیادی از خاک کشور سومالی را از قید و بند جنگ سالاران مورد حمایت کشورهای مختلف منطقه‌ای همانند اتیوپی و فرانطقه‌ای به ویژه ایالات متحده آمریکا رهایی بخشد. اما بنا به دلایلی که در ادامه این گزارش به آن‌ها پرداخته می‌شود، متأسفانه حکومت این گروه اسلام‌گرا بیش از ۶ ماه به طول نینجامید و در نهایت با دخالت نظامی کشور همسایه سومالی یعنی دولت اتیوپی در فاصله زمانی پایان سال ۲۰۰۶ میلادی و شروع سال نو میلادی ۲۰۰۷ به بهانه مبارزه با تروریسم و دفع تهدید علیه امنیت ملی آن کشور؛ در کمترین زمان ممکن مضحل و سرنگون شد. دولت اتیوپی با بیان این مطلب که گروه اسلام‌گرای دادگاه‌های اسلامی شریعت سومالی به دلیل حاکمیت گروه تندوری نظامی به رهبری آقای شیخ طاهر اویس، تهدیدی آشکار برای منافع ملی اتیوپی به شمار می‌رود، با استناد به مقوله حق دفاع مشروع مندرج در منشور سازمان ملل متحد که بر مبنای آن، اقدام کشورها را در این گونه موارد یعنی اقدام در دفاع از خود به رسمیت شناخته بود، با فراهم آوردن زمینه‌های قانونی و روانی یک حمله برق‌آسای نظامی در

داخل و خارج از کشور، در وهله اول اقدام به اعزام به نیروی نظامی زیادی به مرزهای مشترک با سومالی نمود و در گام بعدی نیز با به کارگیری این نیروهای نظامی آماده به رزم مستقر در مرز، طی یک هفته موفق گردید شکست سختی را به گروه دادگاه‌های اسلامی شریعت سومالی که به عنوان دشمن درجه اول این کشور به شمار می‌رفت، تحمیل نماید. پیروزی سریع و سهل‌الوصول اتیوپی در جنگ با گروه اسلام‌گرایان سومالی که در ابتدا به نظر می‌رسید امری دشوار باشد، برای برخی از ناظران و مفسران تحولات جاری منطقه شاخ آفریقا به ویژه کشور سومالی تا اندازه‌ای شگفت‌آور بود. گروه اسلام‌گرایان که تصور می‌شد پشتوانه مردمی قابل توجهی را به دنبال خود داشته باشد و هم‌چنین اقدامات تبلیغی و تهییجی این گروه برای تشویق مردم سومالی جهت مقابله با نیروهای اشغال‌گر نظامی اتیوپی (که چندان مؤثر نیافتاد)، حداقل بتواند مانع بزرگی را بر سر راه پیشروی سریع نیروهای اتیوپیایی فراهم آورده و در یک پیش‌بینی خوش‌بینانه شاید هم شکست احتمالی این نیروها همانند آن چه در مورد جنگ سالاران داخلی سومالی و بسیاری از مناطق خودمختار سومالی جنوبی رخ داد، منجر شود که نتیجه امر، چیزی غیر از این تصور اولیه بود. البته با کمی مذاقه در شرایط موجود در کشور سومالی و وضعیت حکومت جدید اسلام‌گرا در عرصه بین‌المللی می‌توان دلایل عدم توانایی گروه اسلام‌گرای دادگاه‌های شریعت سومالی را در مقابله جدی با نیروهای نظامی اتیوپی به شرح ذیل برشمرد:

۱. عدم تحکیم پایه‌های حکومت نوپای اسلامی

گروه اسلام‌گرای دادگاه‌های شریعت که دوران حکومت نوپای آن‌ها بیش از ۶ ماه بر نواحی جنوبی کشور سومالی طول نکشید، به جای فراهم آوردن زمینه‌های تحکیم پایه‌های حکومت خود در نواحی تحت تسلط و ایجاد پایگاه مردمی که از مهم‌ترین عوامل حفظ یک حکومت به شمار می‌رود، با عدم برداشت صحیح از شرایط موجود فرهنگی و اجتماعی جامعه سومالی تلاش نمود تا با تجربه مجدد برخی تجربیات ناموفق حکومت طالبان در افغانستان از جمله تحمیل برخی عقاید تندرویانه و خرافی مانند تعطیلی سینماها، تنبیه و مجازات افرادی که اقدام به تماشای مسابقات فوتبال نموده بودند و یا حتی بدون در نظر گرفتن عرف رایج در کشور سومالی، استفاده از گیاه چات^۱ که از جمله ضروریات جامعه کشورهای منطقه مانند اتیوپی، جیبوتی، یمن و سومالی می‌باشد را ممنوع نمودند. این موضوع باعث گردید تا شائبه ایجاد یک حکومت طالبانی در سومالی که درصدد تحمیل عقاید خاص و ایجاد برخی محدودیت‌ها در مسایلی که با امور روزمره مردم در ارتباط می‌باشد، تقویت گردد. باید به این نکته توجه داشت که کشور سومالی به رغم این که به دلیل درصد بالای جمعیت مسلمان آن، یک کشور اسلامی محسوب

^۱ چات یا قات گیاهی است که دارای اثرات روان گردانی همچون مواد مخدر اما در مقیاس کمتری می‌باشد که توسط مردم کشورهای جیبوتی، اتیوپی، سومالی، اریتره، یمن و عربستان به عنوان یک عامل مفرح و حتی به عنوان یک امر مقدس برای مسلمانان جهت شرکت در مراسم عبادی و قرآن خوانی بطور منظم و مستمر مورد استفاده قرار می‌گیرد. این گیاه بسیار مورد علاقه مردم منطقه شاخ آفریقا می‌باشد به گونه‌ای که در برخی از این کشورها زندگی و کار آنها بدون استفاده از این گیاه میسر نمی‌باشد.

می‌شود، اما به دلیل وجود زندگی قبایلی که هر کدام از این قبایل جدای از تفکرات و مطالبات سیاسی‌اشان، اصول و روش‌های فرهنگی و اجتماعی مختص به خود دارند و مانند هر جامعه سنتی و قبیله‌ای نسبت به تغییر ناگهانی در این موضوعات و باورهای موجود به شدت واکنش نشان می‌دهد، دارای حساسیت منحصر به فرد خود می‌باشد. گروه اسلام‌گرایان به جای شناخت و درک این موضوع در راستای تحکیم پایه‌های حکومت خود در این کشور و واگذاری برخی امور مشکل‌زا (که این امور در برخی موارد حتی منجر به مختل شدن زندگی اجتماعی مردم شده و شبهه حکومت دینی منبتی بر دیکتاتوری یک گروه خاص را به ذهن متبادر می‌نمود) به آینده، متأسفانه سیاست‌های نادرستی را در پی گرفتند.

۲. عدم پرهیز از تحریک و ایجاد حساسیت بی‌مورد در ارتباط با همسایگان

گروه اسلام‌گرایان دادگاه‌های شریعت با برداشت غلط از موقعیت ایجاد شده در داخل کشور که ناشی از اقبال مردم این کشور در ایجاد امنیت در مناطق تحت حاکمیت این گروه که سالیان سال از بی‌قانونی و آشوب رنج می‌برد، از بُعد درک وضعیت حکومت نوپای خود و کشور سومالی در عرصه خارجی نیز دچار یک اشتباه بزرگ استراتژیک شد؛ بدین معنا که این گروه که تاکنون تجربه اداره و زمامداری در این سطح را تجربه ننموده بود، با غرّه شدن به پیروزی‌های متوالی خود در نبرد با جنگ‌سالارانی که فاقد هرگونه پشتوانه مردمی بودند، به جای بهره‌برداری از موقعیت ایجاد شده در راستای تحکیم پایه‌های حکومت نوپای خود، اقدام به حرکت ناپخته‌ای کرد که همانا تحریک همسایه شمالی سومالی یعنی کشور اتیوپی که یکی از متحدین عمده آمریکا در منطقه بوده و از

ناحیه گروه اتحاد اسلامی به رهبری طاهر اویس نیز مورد آسیب و صدمات قرار گرفته و به طور قطع به دنبال بهانه‌ای برای تلافی اقدامات مسلحانه این گروه بود، پرداخت. کشوری که دارای توان نظامی (چه از لحاظ تجهیزات و ادوات نظامی و چه از نظر نیروی آموزش دیده نظامی حرفه‌ای) به مراتب قوی تر از یک گروه مسلح که تمامی بهانه‌های لازم را برای سرکوب آن‌ها در دست دارد، می‌باشد. گروه اسلام‌گرایان سومالی به جای پرداختن به امور داخلی کشور سومالی و چانه‌زنی از موضع قدرت با دولت انتقالی سومالی^۱ برای گرفتن امتیازات بیشتر برای حضور فعال‌تر در دولت این کشور که می‌توانست زمینه‌ساز اجرای برنامه‌های مورد نظر در آینده را پیش از پیش فراهم نماید، با اقدامی نسنجیده به دشمن تراشی بیشتر و فراهم آوردن زمینه تضعیف خود از طریق مطرح نمودن ادعاهای تاریخ گذشته حکومت‌های قبلی سومالی مبنی بر تشکیل سومالی بزرگ که منشأ بروز جنگ‌هایی بین اتیوپی و سومالی شده بود، مهیا نمود. این گروه با توجه به اقبال و همدردی مسلمانان منطقه شاخ آفریقا حتی مسلمانان اتیوپی یایی با آنان به خاطر شعارهای اسلامی این گروه مبنی بر ایجاد حکومت اسلامی در کشور سومالی، می‌توانست در ابتدای کار خود با دادن این اطمینان به دولت اتیوپی که برقراری حکومت اسلامی در سومالی به منزله تهدیدی برای آن کشور به شمار نمی‌رود و برعکس بر حسن همزیستی مسالمت‌آمیز تأکید دارد، می‌توانست تا اندازه زیادی بهانه‌های مورد نیاز دولت اتیوپی جهت دشمنی را از آن کشور بگیرد. اجتناب از بیان اظهارات تحریک‌کننده مبنی بر لزوم جدایی منطقه اوگاندا اتیوپی که یکی از مناطق بسیار مهم اقتصادی برای کشور اتیوپی به دلیل

^۱ TFG(Transitional Federal Government)

وجود ذخایر بزرگ گاز می‌باشد و توجه به این نکته که دولت اتیوپی تحت هیچ شرایطی حاضر به تجربه مجدد گذشته تلخ جدایی اریتره از این کشور که هم چنان آثار سوء آن گریبانگیرش می‌باشد، نخواهد بود و یا اعلام فتوای جهاد علیه اتیوپی بدون وجود هرگونه پشتوانه مردمی و تجهیزاتی مورد نیاز، باعث می‌شد که اگر دولت اتیوپی حاضر به مصالحه با این گروه نباشد، حداقل از گشوده شدن جبهه جدیدی در کنار جبهه مقابله با دولت انتقالی سومالی جلوگیری شود. اما این ناپختگی در طرح ادعای ارضی بر مناطقی از کشور اتیوپی و اصرار بر آن باعث گردید تا حتی مسلمانان اتیوپی یایی که بیش از ۶۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و در ابتدای ورود گروه دادگاه‌های اسلامی شریعت سومالی از آن‌ها استقبال نمایند، به شدت به این ادعاها واکنش نشان دهند. گواه این مطلب، حضور تعداد زیادی نیروهای نظامی مسلمان اتیوپی یایی در جنگ یک هفته‌ای با اسلام‌گرایان بود که به سرنگونی حکومت شش ماهه آن‌ها منجر شد. اگر رهبران این گروه فتوای دینی مبنی بر مبارزه با ارتش اتیوپی را صادر نموده بود و به ادعاهای آن‌ها نیز از پشتوانه مردمی و دینی بسیاری برخوردار بودند، چرا نتوانستند ضمن متقاعد نمودن مسلمانان اتیوپی یایی حاضر در ارتش برای عدم حضور در جنگ با آن‌ها و کسب نظر مساعد مردم مناطق مختلف سومالی، رؤسای قبایل طرفدار آن‌ها و زیرمجموعه‌های تحت امرشان، برای مقاومت در نبرد با نیروهای نظامی اتیوپی یایی به داخل خاک سومالی موفق شوند؟ این‌ها نشان از نبود یک سیاست معقول و دور از احساسات می‌باشد که بلای جان این گروه شد. در نهایت، طرح این ادعاها این بهانه را برای دولت اتیوپی

جهت قانونی جلوه دادن تهدیدات علیه منافع و امنیت ملی خود مهیا ساخت تا با استفاده از حق دفاع مشروع زمینه‌های برچیدن بساط این گروه را زودتر از موعد فراهم آورد.

۳. عدم ایجاد ظرفیت سازی برای مقابله تمام عیار با طرف مقابل

گروه کوچک دادگاه‌های اسلامی شریعت سومالی با غفلت از این واقعیت که باید برای مواجهه با مشکلات پیش روی این گروه که ناشی از طرز تفکر رهبران آن برای ضمیمه نمودن بخش‌های دیگر سومالی (مناطق خودگردان سومالی لند و پاتلند و هم چنین محل استقرار موقت دولت انتقالی در شهر بایدوا) تدبیری عاجل اندیشیده شود و هم چنین فراهم نیاوردن زمینه‌های مقاومت مؤثر در مقابل حملات احتمالی نیروهای نظامی اتیوپی از طریق آرایه آموزش‌های لازم برای نیروهای تحت امر به ویژه نحوه به کارگیری مؤثر و مناسب از تسلیحات موجود، عملاً زمینه اضمحلال خود را تسریع نمود؛ زیرا پیروزی‌های مقطعی در مناطق مختلف سومالی جنوبی و اطمینان بیش از اندازه به توانایی‌های نیروهای تحت امر سبب شد تا آن‌ها اقدام برای ایجاد ظرفیت‌های لازم نظامی را در آن مقطع چندان جدی نگیرند. اسلام‌گرایان بدون توجه به ضروریات جنگ با یک دولت که از تمامی امکانات هم چون یک ارتش منظم مجهز به تسلیحات مدرن با نیروهای نظامی آموزش‌دیده در بخش‌های مختلف زمینی و هوایی برخوردار می‌باشد، بر طبل جنگی کوبیدند که از همان ابتدا بازنده اصلی آن بودند. اگرچه پیش‌بینی می‌شد که با شروع جنگ، نیروهای مهاجم اتیوپی یایی با مقاومت شدیدی از جانب اسلام‌گرایان مواجه شوند، ولی روال جنگ و نتایج اولیه پیشرفت نیروهای اتیوپی یایی نشان از مسأله دیگری بود. اسلام‌گرایان تصور می‌کردند که دولت اتیوپی در شرایط فعلی به دلیل عدم توفیق

اتحادیه آفریقا و گروه ایگاد برای اعزام نیروهای حافظ صلح و نبود عزم بین‌المللی برای حل و فصل بحران سومالی، واکنش‌های دولت اتیوپی بیش از یک بلوف نباشد. این تحلیل تا جایی پیش رفت که این گروه با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی اقدام به اعلام جهاد علیه دولت مسیحی اتیوپی نمود و تهدید نمود در صورتی که نیروهای اتیوپی یایی که در شهر بایدوا حضور دارند از خاک سومالی خارج نشوند، آنها را قتل و عام خواهند کرد و برای اثبات جدی بودن تهدید چون در چند نوبت به کاروان نظامیان اتیوپی که از مرز دو کشور به سمت بایدوا در حال حرکت و جابه‌جایی بودند، حمله کرد. دولت اتیوپی به دلیل رکود روابط با دولت ایالات متحده آمریکا که در نتیجه برگزاری سومین انتخابات پارلمانی این کشور در می ۲۰۰۵ و حوادث بعدی آن بود، درصدد استفاده از شرایط موجود با هدف دفع حضور اسلام‌گرایان تندرویی که تهدید آشکار علیه امنیت ملی آن کشور محسوب می‌شدند و از طرفی نیز حضور چنین افرادی در منطقه مطلوب آمریکا نبود برای جلب رضایت مقامات آمریکایی و رفع کدورت حاصله، وارد معرکه شدند.

* محمدجواد حسینی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی